



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۸ خرداد ۱۳۸۹
۱۸ ژوئن ۲۰۱۰

ثریا شهبازی

"دوغ" رادیکالیسم

ساختن

از "آب" منشور

موسوی

انتشار بیانیه ۱۸ موسوی در سالگرد عروج جنبش سبز بر سر انتخابات رئیس جمهوری در ایران، باز در صف مغموم طیف توده - اکثریت، نور امید ی تاباند تا باز در جنبش همگانی نقش سنتی - تاریخی خود را ایفا کنند. سایت اخبار روز که اساسا منعکس کننده نظرات این طیف است مینویسد:

"بیانیه ی ۱۸ موسوی، به سوی انسجام بیشتر جنبش سبز. موسوی در این بیانیه، اصلاح طلبی شناخته شده ی چندین ساله ی گذشته را پشت سر گذاشته و تصویری تازه از اصلاح طلبی ارائه داده است. تصویری که وجه مشخصه ی اصلی آن، دعوت دیکتاتورها به رعایت حقوق مردم و اجرای قانون نیست و از انحصارگرایی رایج در جنبش اصلاح طلبی تاکنونی هم نشانی نمی توان در آن یافت. کسانی که همچنان به تحولات رادیکال و تغییر اعتقاد دارند، نباید به سنیز با این اصلاح طلبی برخیزند و از آن پشتیبانی نکنند..."

با تشکر فراوان از سایت اخبار روز! مردم ایران یک بار این ادعاها و فریبکاریها را در سال ۵۷، تجربه کرده اند و بابت آن هزینه گزافی پرداخته اند. ادعاهای خمینی قبل صفحه ۳

حزب حکمتیست

فلج کردن ماشین سرکوب، کار طبقه کارگر آگاه است

در اعتراضات ۲۲ خرداد صدها نفر از مردم معترض در تهران و شهرهای دیگر توسط جمهوری اسلامی دستگیر شدند. نیروهای انتظامی، سپاه پاسداران و انواع دستجات مسلح و غیر مسلح رژیم که از منتهی پیش خود را برای مقابله با تحرکات احتمالی مردم در سالگرد انتخابات ۲۲ خرداد آماده کرده بودند، در این روز به جان مردم بی دفاع افتادند، با همه امکانات خود علیه آنها بسیج شدند و دسته دسته مردم معترض را روانه بازداشتگاهها و

مصطفی رشیدی

شکاف در دیوار

امپراطوری سرمایه

کشور چین يك امپراطوری بلامنازع سرمایه در عصر معاصر است. چین، سرزمین کارکرد افسانه ای سرمایه و سرزمین جنون تولید است. چین سرزمین موعود سود آوری است. این کشوری است که اسارت طبقه کارگر در چنگال سرکوب سیستماتیک از بییهیات شناخته شده سیاسی نیلای امروز است. روز جمعه چهارم ماه ژوئن، ایجاد يك شکاف در دیوار این امپراطوری يك واقعیت مسلم بود. اعتصاب دو هفته ای در کارخانه اتومبیل سازی هوندا (Honda) در استان Guangdong يك رویداد مهم و

اسد گلچینی

سرکوب "مضاعف" کارگران متشکل

با دستگیری سعید تریبانی و رضا شهبازی از کارگران شرکت واحد در تهران، سندیکی کارگران واحد، هم اکنون چهار نفر از مسئولینش را در زندان دارد. منصور اسالو و ابراهیم مددی بعنوان رئیس و نایب رئیس قبلا زندانی شدند.

کارگران شرکت واحد و طبقه کارگر ایران باز هم در برابر انتخاب قرار گرفته اند. بورژوازی بسیار روشن برنامه خود را به کارگران و جامعه اعلام کرده است. قرار است امسال سال "همت مضاعف و

نظریه معماری

نورث کانتری North Country

معرفی یک فیلم

صفحه ۳

کارگران جهان متحد شوید!

نمیخواهند، این را سی سال است در هر لحظه حیات شخصی و اجتماعی اکثر مردم ایران، شاهدیم. سی سال است به مناسبتهای مختلف کارگران، زنان و جوانان آزادیخواه علیه جمهوری اسلامی اعتراض کرده اند، به خیابان آمده اند، پیشروی و عقب نشینی کرده اند، زندان رفته اند، اعدام و سنگسار شده اند، و باز به اعتراض خود ادامه داده اند. اعلام انزجار مردم از جمهوری اسلامی، به هر شکل و در هر سطحی، ریختن به خیابان و تجمع، حق مردم است. دستگیری و زندانی کردن مردم به هر بهانه ای ممنوع است. همه دستگیر شدگان باید بی قید و شرط آزاد شوند.

اما طبقه کارگر ایران، زن و

صفحه ۴



پرشور برای طبقه کارگر نه فقط در چین بلکه در سراسر جهان بود. این اعتصاب پیروز شد.

اعتصاب کارگران کارخانه تولید قطعات جعبه دنده اتومبیل هوندا در شهر Foshan در جنوب شرقی کشور از هفدهم ماه مه، و با يك اعتصاب يك روزه در يك بخش تولیدی آغاز گردید. چهار روز بعتر دو اعتصاب تازه، با اخراج دو رهبر کارگری پاسخ گرفت. روز بعد تمامی ۱۹۰۰ کارگر کارخانه با خواست افزایش دستمزدها دست از کار کشیدند. و روز جمعه چهارم ماه ژوئن و بنیال دو هفته اعتصاب اطلاعیه کوتاه چند خطی به خبرگزاریهای دنیا مخابره شد: "ضعف دیالوگ میان کارگران و مدیران باعث سوء تفاهم و ناراضیاتی را موجب گشت که کشمکش با کارگران را بنیال داشت.

شرکت هوندا از این واقعه درس گرفته و رابطه با کارگران را تقویت خواهد کرد تا اعتماد متقابل را بوجود آورد!" ساعتی قبل از صدور این اطلاعیه، مدیران کارخانه پس از چند ساعت مذاکره مستقیم با نمایندگان کارگران اعتصابی به ۲۴ درصد اضافه دستمزد تن داده بودند.

عبارتهای "ضعف دیالوگ"، "سوء تفاهم"، "ناراضیاتی" مندرج در این اطلاعیه در واقع به یکی از سخیف ترین شرایط استثمار و رفتار با

صفحه ۳

کار مضاعف باشد" و این بسادگی یعنی اینکه وزارت اقتصاد و صنایع و معادن همراه با وزارت اطلاعات و نیروهای سرکوبگر و زندان، این پیام خامنه ای را متحقق کنند. هدف این تعرض دولت سرمایه داری به کارگران پراکنده کردن و خاموش کردنشان است تا برنامه

اقتصادی و طرح های اعلام شده بدون سد و ممانعی عملی شوند. سرمایه داران و سرمایه گذاران باید بهترین شرایط برایشان فراهم شود و سرکوب کارگران متشکل بخشی از این شرایط است و کارگران شرکت واحد و هیئت مدیره آن بعنوان بخشی از کارگران ایران و پیشرو و پیشقدم در متحد شدن برای دفاع از کار و زندگیشان مورد حمله قرار گرفته اند. این ها پیام های این دولت و همه سرمایه

صفحه ۲

آئین نامه انتخابات کنگره چهارم حزب کمونیست

کارگری - حکمتیست

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

شکاف در دیوار امپراتوری...

کارگران در دنیای امروز اشاره دارد. شرایط کار کارخانه خود گویاست. شش روز کار در هفته، شامل ۱۲ ساعت کار روزانه با دستمزدی معادل ۲۲۰ یورو در ماه - با احتساب اضافه کاری - اجر داده میشود. شرایط کار به یک پادگان شباهت دارد که کار و استثمار فشرده را به کارگران تحمیل کند. دستمزد دریافتی بجز خورد و خوراک، بهیچ وجه پاسخگوی اجاره خانه نیست. به همین دلیل کارگران در خوا بگاهای نتگ و کوچک کارخانه شامل شش تخت خواب زندگی میکنند. تورم روز افزون، بخش هر چه بیشتری از این دستمزدها را هم به بیغما میبرد، و امید یک آینده با تکیه به کار و دستمزدهای دریافتی، سالهای سال است که از هرگونه معنای عملی و عقلانی تهی شده است. چین، کشوری تا مغز استخوان سرمایه داری است، در آن اعتراض و اعتصابات کارگری جزو عدلی ترین رویدادها بحساب میآید. اما بر خلاف اعتراضات و اعتصابات طغیانی کارگری و عمدتا علیه دستمزدهای معوقه، اعتصاب کارخانه هوندا، بازگویی واقعیت تازه تر و شورانگیزی در میان طبقه کارگر چین بود.

از ده هشتاد و با آغاز موج سرمایه گزاریها، آزادی حق اعتصاب از قانون کار نولت چین حذف گردید. اعتصاب در چین غیر قانونی است و با حمله پلیس، محاکمه و زندان پاسخ میگردد. علاوه بر پلیس، تنها اتحادیه قانونی در چین، ACFTU، یک اتحادیه تماما دولتی است که رسما منافع صاحبان کارخانه را با عملیات جاسوسی، اعتصاب شکنی و خرابکاری علیه کارگران حفاظت میکند. کارگران کارخانه هوندا در همان روزهای اول اعتصاب خود، دست اتحادیه ضد کارگری کارخانه را پس زدند. در هر بخش کارخانه، مجمع عمومی کارگران تشکیل گردید. نمایندگان مستقیم بخشها در قم بعدی تعداد بیست نفر را بعنوان کمیته اعتصاب و با اختیارات کامل برای مذاکره با مدیریت انتخاب نمودند. دو هفته اعتصاب عملا بوره ای بود که کارگران به دفاع از نمایندگان خود پرداختند، جلوی حمله اوباشان زردپوش اعزامی از طرف ACFTU را سد کردند، نمایندگان دستگیر شده را از زندان بیرون کشیدند و جلوی تهدیدها و توطئه ها ایستادگی بخرج دادند. روز چهارم ژوئن طاقت مدیریت کارخانه طاق شد.

در فاصله دو هفته اعتصاب، چهار کارخانه بزرگتر اتومبیل سازی هوندا در مناطق صنعتی مجاور فلج گشتند.

کمیود قطعات بدکی ناشی از اعتصاب Fonshan چرخ تولید را از کار انداخت. فقط کافی است بخاطر آورد که کارخانه مزبور سالانه ۶۵۰ هزار اتومبیل به بازار فروش در چین عرضه میآورد. در پی ضربات سخت بر تولید و رقمهای نجومی از زیانهای مالی ناشی از اعتصاب، مدیران کارخانه مستقیما با نمایندگان انتخابی کارگران اعتصابی وارد مذاکره گشتند تا تولید را بحالت عادی بازگردانند. در نو منطقه صنعتی عظیم Guangdong Shanghai و بیش از سیصد میلیون کارگر در مراکز تولیدی بسیار پیشرفته بکار مشغولند. کارخانه تولیدی هوندا با ۱۹۰۰ کارگر بیش از قطره ای در این دریا بنظر نمیرسد. اما قدرت عظیم طبقه کارگر در شبکه بهم بافته تولید است که با هم طبقه ای های خود در آن شریک میشوند. اعتصاب کارخانه هوندا یکبار دیگر گواه این حکم تاریخی بود که کارگر در تولید و در سلسله بهم بافته با هم طبقه ای های خود از چه قدرت شگرف و تعیین کننده ای برخوردار است.

اعتصاب کارخانه هوندا بیانگر یک تحول بزرگ در جامعه چین و مشخصا در طبقه کارگر این کشور است. کارگران اعتصابی همگی از کارگران جوانی هستند که برعکس نسل قبلی که از روستاها به مراکز تولیدی هجوم آورده بودند، دیگر تمایل و نیم نگاهی به بازگشت به روستاها را ندارند. این کارگران امید و آینده خود را به کار خود در کارخانه ها گره زده اند. از سوی دیگر از سیل صدها میلیونی از ارتش ذخیره کار خبری نیست. اکنون پشته های انبوه کارخانه ها و مراکز فشرده تولیدی، میلیونها کارگر را بهم بافته است، کارگرانی که توقعات بیشتری را مطرح میسازند، به حقوق خود واقف میگردند، و اعتصاب پس از اعتصاب درس اتحاد و مبارزه میگیرند.

البته هنوز زود است که بتوان از روندهای منسجم در طبقه کارگر چین صحبتی بمیان آورد. کشور چین کماکان مظهر توحش برده دارانه کارگران است. تقریبا همزمان با اعتصاب کارخانه هوندا، در کمپانی عظیم الکترونیک Faxconn با سیصد هزار کارگر شاغل، شانزده کارگر کارخانه در یک اقدام تراژیک در اعتراض به دستمزدهای نازل و شرایط کار، دست جمعی دست به خودکشی زدند. دولت چین از ظرفیتهای بسیار بالای سرکوب برخوردار است و در رسالت خود در ایجاد محیط امن و ارزان برای سرمایه از هیچ چیز کوتاهی نخواهد کرد. همزمان با اعتصاب کارخانه هوندا، در

سرکوب "مضاعف" کارگران...

کارفرما در دادن سهمی برای تهیه این مواد اساسی به نفع جیب آنها فراموش میشود.

دستگیری کارگران را در کنار اجرای اصل ۴۴ بگذاریم، آنرا در کنار پیام خامنه ای بگذاریم تا ابعاد این جنگ همه جانبه بر علیه طبقه کارگر از طریق تعرض به کارگران متحد شده در شرکت واحد و مسئولین آن، دیده شود.

آیا سرمایه داران و دولتشان قادر به در هم شکستن کامل سندیکیای شرکت واحد و بعد سندیکیای کارگران نیشکر هفت تپه و بعد دیگر فعالین کارگری و محافل و شبکه های ارتباطی شان خواهند شد؟ آیا دستگیری اعضا هیئت مدیره و فعالین اصلی این تشکل کارگران و زندانی کردن آنها، راه را بر کارگران دیگر برای ادامه فعالیت متحدانه برای کار و زندگی بهتر در میان کارگران واحد و دیگر کارگاه و کارخانه ها خود بست؟ آیا فعالین کارگری در محافل و شبکه های مختلف را محدود تر خواهند کرد؟ آیا کارگران مراکز مهم کار و صنعت در ایران به این دستگیری و زندانی کردن چهار نفر از کارگران و از اعضای اصلی سندیکیای شرکت واحد اعتراض خواهند کرد و یا باز هم سکوت را ادامه میدهند؟

بدون تردید باید همانطور که طبقه سرمایه دار و دولتشان نقشه مند و با هدف نابودی هر گونه فعالیت متشکل اقدام میکنند و چهار نفر از نمایندگان اعتراض طبقه کارگر را دستگیر و حبس میکنند، طبقه کارگر در همه بخشهای کار و در مهمترین مراکز بویژه از این واقعه باید مطلع شوند و ترغیب به اقدام مشخص برای دفاع از کارگران زندانی شوند. کار کمونیستها در همه جا دامن زدن به این مبارزه جدی است.

دستگیری یکی بعد از دیگری اعضا هیئت مدیره واحد به این منظور است که کارگران را به زانو دربیابند، کاری که تاکنون ممکن نشده است.

دستگیری و زندانی شدن این رفقای کارگر پیام بسیار هشدار دهنده ای به همه کارگران آگاه و کل طبقه کارگر است که یا در برابر حرکت حکومت سرمایه داران خاموش شوند، نیروی کار بسیار ارزان تری برای آنها فراهم کنن و به نان بخور و نمیر قناعت کنند.

و یا اینکه مبارزه متحد و متشکل برای کار و زندگی بهتر را دنبال خواهند کرد که قطعاً آزادی تراییان، شهبلی، مندی و اسالو بخشی از آن است.

* گفتار رادیو پرتو

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

"دوغ" رادیکالیسم ساختن...

قبرلاندن این تاکتیک جنید ارتجاع برای دست بدست شدن قدرت، به نیروی یک "انقلاب دیگر همه باهمی"، از ہدیہ سی سال قبل شان کہ تقدیم کمونیست ہا و رادیکال ہای مخالف خمینی کردند، زنگ زدہ تر است.

موسوی و تاجزادہ و کروبی و رهنورد، ہر قدر در مورد گذشتہ خودزنی کنند و ببینند کہ ممکن است در گذشتہ و سالہای اول انقلاب "انتباہاتی" صورت گرفتہ باشد، بخوانند از گذشتہ درس بگیرند و بیاموزند، و اعلام کنند کہ "شاید ہم بشود قانون اساسی" را تغییر داد، و از حقوق "قومیت ہا" و برگزاری جشن چہارشنبه سوری و سیزدہ بدر ہم حفاظت کنند، و با این فرض کہ مردم ہم شرکتشان در جنایات گذشتہ را ببخشند، هنوز "ابی" هستند کہ نمی توان باہیچ طرفہ و شعبدہ بازی، از جملہ توسط اسانس ہای مصنوعی تودہ - اکثریت، از آن "دوغ" رادیکالیسم، آزادی و برابری برای مردم ایران ساخت.

این جنبش، رہبران و سازماندہنگاش، اگر ہم بخوانند، کہ نمی خوانند، قادر نیستند آزادی بی قید و شرط عقیدہ و بیان، آزادی بدون قید و شرط مطبوعات و اجتماعات، حق اعتصاب کارگر، کوتاہ شدن دست مذهب از زندگی خصوصی مردم، ممنوعیت اعدام، ممنوعیت حجاب اجباری، ممنوعیت حجاب کودکان، قطع شدن دست مذهب از دولت، و رفاه مردم ایران بیار بیآورند.

این جنبش برای بہ قدرت رسیدن نیازمند عوامفریبی و حمایت عوامفریبان است. اما برای در قدرت ماندن، ناچار بہ پس زدن "خوش نیتی" وعدہ و وعید ہای توخالی، و بستن پشت سر گذاشتند. نورث کنتری داستان مبارزہ ای است کہ قانون علیہ خشونت بر زنان در محیط کار در آمریکا را موجب میشود.

جوسی Charlize Theron از دست شوہرش فرار میکند و بہ شہر قدیمی خود (نورث کنتری) برمیگردد. او بہ عنوان مادری تنہا، با دو فرزندش محتاج کار برای تامین زندگی خود و فرزندانش است. با استقامت زیاد و بہ کمک یک دوست قدیمی کہ یکی از چند زنی بود کہ در معدن ذغال کار میکرد، موفق شد در معدن شہر استخدام شود.

نورث کنتری "نورث کنتری" کارگرانی کہ بہ عاملی در آزار و سرکوب بیشتر زنان ہمکارشان تبدیل شدہ بودند متقاعد شدند کہ با ہم قادر بہ تغییر این وضعیت هستند. کارگران سد نمایندگان اتحادیہ در معدن کہ ہمراہ فضای عقب ماندہ و سرکوبگر حاکم از سوی صاحبین کار و عواملش است، را نیز

ایران مدل "خمینی دمکرات" و "رضا شاہ لیبرال" نمی توان مہندسی کرد. این سناریوہا نزد مردم ایران کہ نسخہ های اصل ہر دو مدل را تجربہ کردہ اند، بیش از حد ابلہانہ است. امثال تودہ - اکثریت و طیف روشنفکران نان بہ نرخ روز خور بیہودہ روی خودفریبی مردم حساب باز کردہ اند.

در فردای نہ چندان دو، جنبش سبز نیازمند سرکوب مردم و طبقہ کارگری هستند، کہ نہ برای پس گرفتن سرمایہ از سپاہ و واریز کردن آن بہ حساب سرمایہ دار بخش خصوصی، نہ برای بستن در واردات و باز کردن دست کارفرمای گردن کلفت و میلیاردر ایرانی برای استثمار و چپاول، نہ بر سر نظارت استصوابی و مدیریت بہتر جمہوری اسلامی، کہ برای حق خود بہ میدان میایند. در مقابل طبقہ کارگری کہ میداند حق اش از زندگی بردگی مزدی واسارت در جہنم و نکبت جمہوری اسلامی نیست، طبقہ ای کہ امروز دستمزد بیشتر میخواہد و فردا ہستند کہ برای خود کمتر از ہیچ جوانی در اروپا و آمریکا حق قائل نیستند. این جماعت برای در قدرت ماندن نیازمند خفہ کردن صدای بی خدایان و کمونیست ہا، سازمانہا و احزابشان هستند.

این دیگر تجربہ و دادہ تاریخ سیاسی ایران است کہ در ایران، بورژوازی، ملی یا امپریالیستی، مذبہی یا غیرمذبہی، برای در قدرت ماندن و سرنگون نشدن، برای سازمان دادن و ادارہ جامعہ ای کہ مبتنی بر بردگی مزدی اکثریت مردم، آنہم با ارزان ترین نرخ فروش نیروی کار در جہان است، بہ دستگاہ سرکوب نیاز دارد. برای حفظ منافع نظامش چارہ ای جز سرکوب و اختناق ندارند. همانطور کہ خمینی و شاہ، چارہ ای نداشتند. در

نظیرہ معماری

نورث کاتری North Country

فیلم نورث کاتری داستان تلاشی موفق و متحدانہ از سوی کارگران بر علیہ نابرابری و بویژہ آزار جنسی زنان در محیط کار و دستاوردی بزرگ در مبارزہ طبقہ کارگر در آمریکا در سال ۱۹۸۴ است. کارگران زن در معدن ذغال این شہر با نابرابری، تحقیر و ہمچنین آزار جنسی از سوی مردان کارگر و ہمکار خود روبرو هستند. در معدن شہر "نورث کاتری" کارگرانی کہ بہ عاملی در آزار و سرکوب بیشتر زنان ہمکارشان تبدیل شدہ بودند متقاعد شدند کہ با ہم قادر بہ تغییر این وضعیت هستند. کارگران سد نمایندگان اتحادیہ در معدن کہ ہمراہ فضای عقب ماندہ و سرکوبگر حاکم از سوی صاحبین کار و عواملش است، را نیز

وی در برابر سوال جوسی کہ چرا نظرش تغییر کرد میگوید کہ این اولین باری است کہ موضوع آزار جنسی بہ دادگاہ بردہ میشود.

داستان فیلم با تلاش بسیار جدی آنها برای تغییر رفتار و نظر دیگر کارگران ادامہ پیدا میکند. اما مسئلہ با کارگران محدود نمیشود، مبارزہ ای رو در رو و نابرابر با سرمایہ دارن، کہ از تفرقہ میان کارگران زن و مرد بیشترین استفادہ را میبرند، شروع میشود. زنان مردان کارگر و حتی پدر جوسی کہ در اوج مخالفت با او بہ اولین حمایت کنندگانش تبدیل میشود کم کم بہ این مبارزہ میپیوندند. ترفند صاحبین معدن و وکیل مزدورشان یکی بعد از دیگری افشا میشود.

در کشمکش خانوادگی بین مادر و پدر جوسی، مادر جوسی با اقدامی آگاہانہ و با جسارت بخش دیگری از مبارزہ زنان برای نجات از مرد سالاری و نابرابری و عقب ماندگی

آئین نامه انتخابات کنگره

چهارم حزب کمونیست

کارگری - حکمیت

۱- مطابق اصول سازمانی حزب، در کنگره تشکیلات های حزب به تناسب وزنه آنها در عملکرد و استراتژی حزب نمایندگی میشوند.

نمایندگان تشکیلات های زیر در کنگره شرکت خواهند کرد:

- ۱- تشکیلات حزب در داخل کشور
- ۲- کمیته کردستان حزب (بخش علنی)
- ۳- تشکیلات خارج کشور
- ۴- کمیته مرکزی - شامل اعضای اصلی و علی البدل های کمیته مرکزی
- ۵- کمیته تبلیغات و آموزش
- ۶- دبیرخانه حزب

II - توزیع نمایندگان به شرح زیر است

- ۱- تشکیلات حزب در داخل کشور ۳۰ درصد
 - ۲- تشکیلات کردستان حزب (بخش علنی) ۲۰ درصد
 - ۳- تشکیلات خارج کشور ۳۰ درصد
 - ۴- کمیته مرکزی ۱۵ درصد
 - ۵- کمیته تبلیغات و آموزش ۴ درصد
 - ۶- دبیرخانه حزب ۱ درصد
- III- با توجه به محدودیتها و مسائل امنیتی چگونگی تعیین نمایندگان تشکیلات داخل کشور و نحوه نمایندگی شدن آنها در کنگره در دستورالعملهای ویژه که به تصویب هیئت دبیران و ابلاغ کمیته سازمانده رسیده باشد، ابلاغ میشود.

IV- اعضا:

- ۱- همه اعضای حزب در انتخابات دارای حق یک رای هستند.
- ۲- هر عضو تنها در حوزه انتخاباتی تشکیلات خود در رای گیری شرکت میکند.
- ۳- هر عضو تنها در یک حوزه انتخاباتی میتواند خود را کاندید کند.

نورث کانتی...

شوهرش میشود، است. مادر جوسی در جواب به اعتراض شوهرش که: " من تمام عمر برای بدست آوردن این پول کار کردم"، میگوید: "پس من هم از این بیعده از تو پول میگیرم چون من هم تمام عمر برای تو لباس شستم و آشپزی کردم".

این مبارزه را نشان میدهد یکی از نمونه های بارز این دیالوگ جدل پدر و مادر جوسی، زمانی که کمک مالی مادر جوسی به او موجب نارضایتی شدید قانون علیه خشونت زنان تصویب شد.

فلج کردن ماشین سرکوب...

جوان آزادیخواه و همه کسانی که برای آزادی و رفاه و حقوق انسانی مردم تلاش میکنند، همه کسانی که خواهان جامعه ای آزاد و برابرند، باید بدانند که جنبش سبز نماینده اعتراض آنها نیست. جنبش سبز جنبشی ارتجاعی و خود آگاه بورژوازی است که در سرکوب آزادیخواهی و تحمیل نابرابری در جامعه، در ضدیت با کارگر و زن و آسایش و رفاه و آزادی مردم آزادیخواه، دست کمی از جناح همزاد خود در حاکمیت ندارد. جنبش سبز بر اعتراض برحق کارگر، زن و جوان و مردم آزادیخواه لباس اسلامی و ارتجاعی میکند، آن را در خدمت اهداف ارتجاعی خود قرار میدهد، همان اهدافی که سی سال قبل زیر رهبری خمینی جمهوری اسلامی را به مردم تحمیل کردند.

ترس واقعی جناح حاکم، خامنه ای و احمدی نژاد و دستگاه جنایت و کشتارشان، نه از جنبش سبز، موسوی و کروبی و صاعقی، که از قدرت طبقه کارگر و قدرت جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه ای است که اگر به میدان بیاید میتواند مرگ و سرنگونی جمهوری اسلامی را سراغاز آزادی و برابری برای همه در ایران کند. این ماشین ارباب و سرکوب برای ترساندن طبقه کارگر از دست بردن به قدرت خود، برای عقب راندن جوانان از عدالتخواهی و آرمانخواهی چپ و کمونیستی، و برای به تسلیم کشاندن جنبش مترقی رهایی زن در ایران است. ترس رژیم از نیروهایی است که نه برای تحقق آرمانهای رهبران سبز، نه برای اجرای بهتر قانون اساسی و "مرحمت" و نوازش بیشتر خانواده خمینی و سایر مراجع تقلید، نه برای شریک کردن بیشتر امثال رفسنجانی و موسوی در قدرت، که علیه فقر و نابرابری، علیه بردگی مزدی و استثمار، علیه تحجر اسلامی و زن ستیزی، و علیه لگدمال کردن زندگی نو نسل از کودکان و جوانان در ایران،

هر روز ممکن است به میدان بیایند. جمهوری اسلامی در مقابل مردم به جان آمده، اما بی سازمان و پراکنده، به هر جنبشی دست میزند. تنها راه خاتمه دادن به این وضعیت به زیر کشیدن ماشین جنگی و سرکوب و ترور جمهوری اسلامی است. این کار تنها از عهده طبقه کارگر آگاه و متشکل و متحدی ساخته است که خود توانسته باشد در حزب و تشکل های توده ای اش سازمان یافته، و رهبری مبارزات و اعتراض میلیونی زنان و مردان و جوانان به جان آمده از گرسنگی و فقر و تباهی و سرکوب و جنایت جمهوری اسلامی را بر عهده گرفته باشد.

این از عهده طبقه کارگر آگاهی ساخته است که صف متمایز خود از جنبشهای ارتجاعی را میشناسد و آن را تشکیل میدهد، به منافع مستقل خود آگاه است، و نیروی خود را مستقل از جنبشهای بورژوازی و ضد کارگری بر پای خود و در دفاع از منافع خود سازمان میدهد و مردم آزادیخواه و محروم را در صف خود، در دفاع از آزادی و برابری و برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی جمع میکند. این تنها راه واقعی به زیر کشیدن ماشین سرکوب حاکم است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیت، کمونیست ها، طبقه کارگر، زن، جوان و مردم آزادیخواه و برابری طلب را به سازمان دادن مبارزات مستقل خود، به اتحاد صفوف خود و به گشودن جبهه ای قدرتمند و مستقل از جناح های جمهوری اسلامی، در مقابل کلیت جمهوری اسلامی و در مقابل این جنایات فرا می خواند.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیت

۲۴ خرداد ۸۹ - ۱۴ ژوئن ۲۰۱۰

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمیت

سر دبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

زنده باد سوسیالیسم